

سرداری که سرباز را فراموش نمی‌کرد

«سرباز» واژه پرمعنایی که سردار سلیمانی وصیت کرده بود روی قبرش آن را حک کنند. نگاه مکتب سازی که در آن انسان‌های میهن پرست و مسلمان پرورش پیدا کردند. شاید در ظاهر دوران دو ساله سربازی، دوران گذاری باشد اما برخی رفتارهاست که می‌تواند مسیر خیلی از افراد را تغییر کند. کاری که شهید سلیمانی استاد آن بود. سیروس دهقان که از سال‌های سربازی با حاج قاسم آشنا شده بود، هنوز با حالات از آن دوران نقل می‌کند. کتاب «همراه» خاطرات اوست که در مورد شهید سلیمانی به چاپ رسیده است.

● با آقای قاسم سلیمانی چگونه و از کجا آشنا شدید؟

سال ۱۳۷۵ عازم خدمت سربازی شدم. دوره آموزشی سخت و فشرده نظامی که ۹۰ روز طول می‌کشید، شروع شد و در همان دو هفته اول به صورت فشرده مشق رژه رفتن را آموختیم. معمول این بود که در هفته سوم دوره، تمام گروهان‌های آموزشی را برای شرکت در صبحگاه لشکر ۴۱ ثار... الان به محوطه اجرای صبحگاه آن لشکر که یگان‌های حاضر در آن متشکل از کارکنان رسمی و وظیفه بودند، می‌بردند. مراسمی به ظاهر عادی و معمولی که در هر دوره‌ای تکرار می‌شد و به نظر می‌رسید مانند یک روز عادی دیگر، با اندکی هیجان و شور و شوق بیشتر به پایان می‌رسد.

با حضور و استقرار واحدهای آموزشی در پادگان، برنامه‌های رسمی آغاز شد و مراسم به آهستگی پیش می‌رفت. مراسمی که برای اولین بار در آن شرکت می‌کردم و با شنیدن خبر حضور سردار قاسم سلیمانی که در آن زمان فرماندهی (لشکر ۴۱ ثار... یا سپاه ثار... کرمان که از لشکرهای پیاده نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و نیروهای آن از استان کرمان استان سیستان و بلوچستان و استان هرمزگان تأمین می‌شد) و نیز فرمانده ارشد منطقه جنوب شرق ایران بودند، برایم هیجان و شور دیگری پیدا کرده بود.

دستور رژه یگان‌ها در مقابل جایگاه صادر شد. در آن روز گروهانی که من هم در آن سازماندهی شده بودم، به واسطه رژه بسیار خوب و منظمی که در مقابل جایگاه و در حضور سردار سلیمانی اجرا کرده بودیم مورد تشویق قرار گرفت.

آن روزها جنوب شرق کشور درگیر ماجراهایی بود که حضور و آمادگی نیروهای نظامی و انتظامی را بیش از

پیش می‌طلبید و از آنجا که لشکر ۴۱ ثار... مأموریت مبارزه با اشرا جنوب شرق را به عهده داشت، بعضی از یگان‌های آن مأموریت‌هایی را عهده‌دار شده و نمایندگان نظامی و انتظامی شهرهایی مثل زاهدان، سیرجان، کهنوج، جیرفت، رفسنجان و دیگر شهرهای منطقه بی‌صبرانه منتظر اعلام اسامی و دریافت سهمیه‌های مربوط بودند و سربازان حاضر نیز مشخص شدن یگان‌های خدمتی خود را انتظار می‌کشیدند.

با همه دلهره و اضطرابی که وجود سربازان را پر کرده بود، بالاخره نوبت من هم رسید و با قرار گرفتن مسئول تقسیم نیروی لشکر ۴۱ ثار... در جایگاه مخصوص و خواندن اسامی، مشخص شد که با تعدادی، حدود ۱۵۰ نفر دیگر از سربازان به عنوان سهمیه در ستاد لشکر انتخاب شده‌ایم و بعد از گذشت یکی دو روز، محل خدمت نیز در بخش خدمات پرسنلی لشکر تعیین و اعلام شد.

چند روزی از این ماجرا گذشته بود که متوجه شدم مسئول خدمات پرسنلی نیرو، به دنبال راننده‌ای می‌گردد که ضمن آشنایی با شهر تهران، فردی قابل اطمینان و مورد اعتماد باشد و بتواند وظایفی را که برای او در نظر گرفته‌اند به خوبی انجام دهد. من را برای این مأموریت انتخاب کردند. مأموریتی که با گرفتن حکم مربوط و دریافت آدرس مهمانسرای لشکر آغاز و به فوریت راهی تهران شدم. قرار بر این بود تا با تحویل گرفتن یک دستگاه خودروی رنو ۵ سفید رنگ مدل ۷۱ که تنها خودروی مهمانسرا بود، به همه امور ترابری مهمانسرا رسیدگی کنم. رنو ۵ مدل ۷۱ آن روزها در مهمانسرای لشکر برای خودش برو و بیایی داشت و تنها اتومبیل تشریفاتی بود. اهمیت و جایگاه این رنو ۵ وقتی بهتر روشن می‌شود که بدانید این اتومبیل ویژه، همان خودرویی بود که فرماندهی لشکر یعنی سردار حاج قاسم سلیمانی از آن استفاده می‌کردند و زمانی هم که

